

اعداد قدسی در بین مغولان

نویسنده: زهرا صادقی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی. دبیر وزارت آموزش و پرورش

هرچند کتب متعدد تاریخی مربوط به حمله مغولان به ایران به صراحت بیان می‌کنند این قوم مهاجم هنگام حمله به ایران از نظر فرهنگی در نازل‌ترین درجه قرار داشت و به همین دلیل فرهنگ و باورهای ایرانی خیلی زود تأثیرات غیر قابل انکاری بر آنان گذاشت ولی در هر صورت آنان با باورها و اعتقاداتی مخصوص وارد ایران شدند. از جمله این باورها اعتقاد به خوش یمنی و بد یمنی برخی اعداد بود. آنان اعداد فرد را خوش یمن و اعداد زوج را بد یمن می‌دانستند. در این متن که با روش کتابخانه‌ای نگاشته شده ابتدا تلاش می‌گردد به علل چنین باورهایی پرداخته شود سپس جایگاه اعداد فرد خصوصاً دو عدد ۹ و ۳ در موقعیت‌های متفاوت در میان مردم این قوم مورد بررسی قرار می‌گیرد. بی‌تردید چنین پژوهش‌هایی در شناخت باورها و اعتقادات امروزه مردم ایران به عنوان یکی از سرزمین‌هایی که روزگاری تحت اشغال مغولان بوده است بی‌تأثیر نخواهد بود.

کلید واژه: مغولان، اعداد، فرد، زوج، جشن، باور



مقدمه

همواره در میان عامه مردم، در همه اعصار، اعداد جایگاه خاصی داشته‌اند. گاهی به خوش یمنی تعبیر می‌شدند و گاهی نیز بد یمن و نحس تلقی می‌گردیدند. با اینکه می‌توان بین این باورها و اعتقادات در فرهنگ‌های مختلف جهان ویژگی‌های مشترک بسیاری یافت ولی تفاوت بین این باورها نیز قابل توجه است. در میان قوم مغول نیز به عنوان یکی از اقوام مهاجمی که در برهه‌ای از تاریخ حدود قرن هفتم به مدت تقریباً صد سال بر ایران حکومت راندند باورها و اعتقادات خاصی در این زمینه حاکم بود که مطمئناً علاوه بر تأثیراتی که در زندگی خود اقوام مغول داشت در زندگی مردم سرزمین‌های تحت اشغال از جمله ایران نیز موثر بود. هرچند تأثیر ایرانیان بر مغولان به مراتب قبل از توجه تر بود ولی بی تردید برخی اعتقادات خرافی نیز «از آنان که قوم غلب بودند بقوم مغلوب نقل شد.» (صفا، ۱۳۹۲) بارزترین تأثیری که تا به امروز نیز به قوت خود باقی است، طرز گاه شماری آنان بود که «مبتنی بر تصوّر دوری در سنین و تسمیه آنها با سامی حیوانات بود.» (همان)

در این نگاشته که با استفاده از کتب معتبر تاریخی مربوط به این دوره، همچون جامع التواریخ رشیدی، تاریخ جوینی و برخی کتب معاصر ایرانی و غیر ایرانی نوشته شده تلاش گردیده جایگاه اعداد در میان این قوم مورد بررسی دقیق قرار گیرد. مطمئناً می‌توان از چنین پژوهش‌هایی در شناخت باورها و اعتقادات امروزه مردم ایران سود جست. لازم به ذکر است تاکنون هیچ منبع مستقلی به این موضوع یعنی جایگاه اعداد در میان مغولان نپرداخته است و در هیچکدام از تالیفاتی که تاکنون به مبحث اعداد پرداخته اند، موضوع نقش اعداد در زندگی مغولان در حدود قرن‌های هفتم و هشتم هجری شمسی به شکل اختصاصی مورد توجه قرار نگرفته است. برخی از این تالیفات مذکور به قرار زیر است:

کتاب راز اعداد از استاد آنه ماری شیمل (شیمل، ۱۳۹۰)

کتاب عدد، نماد و اسطوره از آقای آرش نورآقایی (نورآقایی، ۱۳۸۸)

مقاله تجلیات قدسی، تمهیدات عددی از خانم حمیرا زمردی (زمردی، ۱۳۷۹)

علل باورهای خاص عددی

مغولان یکی از اقوام آسیایی بودند که در سرزمینی حد فاصل بین ترکستان و چین زندگی می‌کردند. شغل عموم مردم به واسطه آب و هوای سرد و خشک محل زندگی شان، دامداری و شکارگری بود و گاهی نیز با غنائمی که از حمله به سرزمین‌های همسایه به دست می‌آوردند روزگار می‌گذراندند. (جعفریان، ۱۳۸۹) آنان فرهنگ و تمدن قابل ذکری نداشتند و به جز چند کتیبه که به کتیبه‌های اورخون معروف است و یک کتاب با نام کتاب سرّی مغولان^۱ (بیانی، ۱۳۵۰) از این قوم بدوی چیزی به یادگار نمانده است. (ساندرز، ۱۳۶۱) آنان اعتقاد داشتند یک نیروی نهانی و قدرت نامرئی همه چیز دنیا را اداره می‌کند. از نظر آنان خان بزرگ، مظهر تنگری یعنی آسمانی بود که جذبه خدایی داشت یا خدای آسمان بود. بنابراین خان از نظر آنان همان خدا بود. چنین به نظر می‌رسد که این اعتقادات تحت تأثیر فرهنگ چینیان به آنان بوجود آمده بود. (گروسه، ۱۳۵۳) علاوه بر این، برخی سنت‌ها و باورها مثل کاشتن درخت در کنار مقبره‌ها و اعتقاد به خوش یمنی و بدیمنی برخی اعداد نیز برگرفته از فرهنگ چینیان بود. (معزی و ابراهیمی، ۱۳۸۸) در اساطیر چین عده‌ای فرد نشانه سعد و فرخندگی بودند و آن‌ها را نشانه سفیدی و روز و درخشندگی و آتش می‌دانستند ولی عده‌ای زوج برای مردم چین نحس و نامبارک و نشانه تاریکی و شب و سرما و ماده و آب و زمین محسوب می‌شدند. (محمودی، ۱۳۸۴) باید اضافه کرد مغولان از جمله خرافاتی‌ترین اقوام جهان

نویسنده این کتاب نامعلوم است ولی پلپول آن را به زبان فرانسه تصحیح نموده و خانم شیرین بیانی به زبان فارسی ترجمه کرده است. 1

بودند که خرافه و اعتقاد به سحر و جادو در تمام شئون زندگی شان رخنه کرده بود. از طبابت و غذا خوردن گرفته تا ازدواج و تولد و حتی مرگشان همراه با مجموعه ای از عقاید و سنن خرافی بود. (بیانی، ۱۳۷۱) پس دور از ذهن نیست که در گزارشات متعدد می بینیم در میان مغولان، جایگاه اعداد نیز در هاله ای از خرافات قرار گرفته باشد.

۹ عدد

همانگونه که اشاره گردید اعداد فرد در زندگی مغولی نشانه خوشبختی و خوش یمنی بوده است. عدد ۹ به عنوان یک عدد فرد، در مقایسه با دیگر اعداد فرد جایگاهی به مراتب ارزشمندتر داشته است. (اشپولر، ۱۳۷۴) این عدد به هنگام هدیه دادن، برگزاری جشن ها، دعا نمودن، مورد توجه بود.

عدد ۹ در مراسم و جشن ها

وقتی تموچین ۲ قدرتش را تثبیت نمود و خواست با عنوان خانی و نام چنگیز مقامش را رسمیت ببخشد فرمان داد قوریلتایی برگزار نموده تختی سفید و نه پایه برپا کرده «و در آن قوریلتای ۳، لقب چنگیزخانی بر وی مقرر کردند و مبارکی بر تخت بنشست (همدانی، ۱۳۷۴) و (میرخواند، ۱۳۸۰) جایگاه این عدد آنقدر مورد اهمیت بوده که در گزارشی جالب می بینیم تلاش بسیاری شده تعداد چادرهای برپاشده در غروق چنگیز خان رویهم رفته نه (۹) عدد باشد. (همدانی، ۱۳۷۴) کارپن کشیش مسیحی نیز که خود شخصا در جشن پادشاهی کیوک حضور داشته گزارش می دهد پس از بر تخت نشستن کیوک، امیران و شاهزادگان دست نشاندۀ وی و همچنین سفیران خارجی نیمی از ملت های کره زمین نه بار در برابرش سجده کردند. (ساندرز، ۱۳۶۱) این مراسم یعنی سجده کردن های نه باره در برابر خان جدید، در جشن های تاجگذاری اوکتای (میرخواند، ۱۳۸۰)، منکو (همدانی، ۱۳۷۴) و اولجایتو (همان) نیز تکرار شده است.

عدد ۹ در هدیه دادن

به هنگام هدیه دادن نیز این عدد مورد توجه بوده است. زبردستان خان به هنگام تکشمیشی ۴ از عدد (۹) به شکل های گوناگون استفاده می کردند. اگر تعداد هدیه دهندگان زیاد بود آنان را نه به حضور می آوردند. (همدانی، ۱۳۷۴) علاوه بر آن سعی می شد تعداد هدایا، نه یا مضربی از عدد نه باشد. جغتای پسر چنگیز که در ماجرای برادرش اوکتای را رنجانده بود برای عذر خواهی نه اسب به او تقدیم نمود. (میرخواند، ۱۳۸۰) تاج الدین علیشاه وزیر «نه اسب با زین و ستام زرین» به اولجایتو تقدیم نمود. (آیتی، ۱۳۴۶) همین شخص در جشنی دیگر «نه غلام سیم اندام گلعدار با کمرهای زرنگار و نه اسب عربی نژاد که زین و لجام آنها زرین بود» به اولجایتو پیشکش نمود. (خواندمیر، ۱۳۶۲) در گزارشی دیگر می بینیم امیرنوروز از امرای غازان خان ۵ که مورد غضب غازان قرار گرفته بود جهت عذر خواهی از غازان «نه سر اسب صبارفتار» به او تقدیم نمود. (همان)

عدد ۹ در عبادات

مغولان خدایان متعددی داشتند که اسامی و تعداد ایزادان در نزد قبایل و ایلات گوناگون بر حسب آداب و سنن داخلی و منطقه ای متفاوت بود اما در اصل عدد آنها را نه می دانستند. (بیانی، ۱۳۷۱) آنان به سلسله نسب و شجره خود نیز بسیار اهمیت می دادند. اجدادشان را می شناختند و به آنان افتخار می کردند. چنگیز خان نهمین نسل از آلان قوا یکی از مهم ترین اجداد چنگیز

اولین نام چنگیزخان، تموچین بود. 2

نوعی گردهمایی یا مجمع در بین بزرگان مغول بود که در مواقع خاصی مثل بر تخت نشستن خان جدید تشکیل می شد. 3

پیشکش دادن و زمین بوسی در برابر مقام خان 4

از پادشاهان مقتدر مغول 5

بود. (همان) آنان همچنین معتقد بودند خدای بزرگ هرچه را آفریده از عدد ۹ تجاوز نکرده، آسمان ۹ طبقه دارد، پسران یا پیامبران خدای بزرگ ۹ تن بوده‌اند و اغلب اعیاد و جشن‌ها در نهم ماهها انجام می‌گرفت. (همان) تعظیم نمودن نُه باره نه تنها در برابر خان بلکه هنگام یاری و مدد خواستن از خدایان متعدد مغولی نیز رعایت می‌شد. پس از این که مارکیت‌ها ۶، برتا همسر چنگیز را ربودند، چنگیز خواست برای نجات همسرش اقدام کند اما پیش از آن «در حالی که به سینه خود می‌کوبید نُه بار رو به خورشید سجده کرد. دعا نمود و شراب به زمین ریخت» (بیانی، ۱۳۵۰)

عدد ۹ در تشویق‌ها و تنبیه‌ها

یکی از امتیازات متعدد ترخان‌ها ۷ نیز این بود که «تا نه (۹) بطن از اولاد و احفاد» شان از دادن مالیات معاف بودند. (میرخوانده، ۱۳۸۰) و تا (۹) مرحله نیز از مجازات مرگ معاف بودند. (لمب) بوقا یکی از شاهزادگان مغول به دلیل این که در به سلطنت رسیدن ارغون کمک بسیار نمود از سوی ارغون امتیازات بسیاری بدست آورد یکی از این امتیازات این بود که تا نُه گناه بزرگ از او سر نزند در محکمه حاضر نشده و مجازات نگردد. (آیتی، ۱۳۴۶)

این عدد در تعیین مجازات گناهکاران نیز مد نظر بوده است. گاهی تعداد ضربه‌های چوبی که به فرد مجرم زده می‌شد نه (۹) ضربه بود. (همدانی، ۱۳۷۴) همچنین اگر شخصی اموال دیگران را می‌دزدید یا از بین می‌برد جریمه‌ی آن معمولاً نُه برابر ارزش مال دزدی یا خسارت وارده بود (بارکهاوزن، ۱۳۴۶) ابن بطوطه هم در سفرنامه‌اش می‌نویسد «مجازات دزدی در قانون ترکها این است که هرکسی اسبی بدزدد باید آن اسب را با نه راس اسب دیگر که نظیر آن باشد پس بدهد» (ابن بطوطه، ۱۳۶۱)

عدد ۹ بین ایرانیان

چنین به نظر می‌رسد مردم ایران از جایگاه عدد ۹ نزد مغولان باخبر بودند یا خود نیز چنین اعتقاداتی داشته‌اند. آنان به هنگام تسخیر هرات به دست تولی خان، نمایندگان را جهت امان گرفتن نزد او فرستادند درحالی که این نمایندگان ۱۰۰ جامه باف بودند و هریک نه (۹) جامه‌ی قیمتی همراه داشتند. (میرخوانده، ۱۳۸۰) و (خواندمیر، ۱۳۶۲)

عدد ۹ در دربار تیموریان

از فحوای گزارشات مربوط به عصر تیموریان می‌توان به این نتیجه رسید که ارزش و جایگاه عدد نه (۹) اهمیت خود را در آن دوران نیز حفظ نموده است. کلاویخو که مدتی را در دربار تیمور یعنی حدود یک قرن بعد از تسخیر ایران توسط مغولان گذرانده در سفرنامه‌اش به این نکته اشاره می‌کند که هرچه جهت پیشکش برای تیمور می‌آوردند می‌بایست به عدد نه (۹) باشد. «رسمی است جاری در دربار تیمور که هرچه باو پیشکش میدهند باید بعدد نه باشد» (کلاویخو، ۱۳۴۴) در جشنی نیز که خود کلاویخو در آن حضور داشته تمام زنان تیمور که هشت تن بودند به ترتیب جایگاه وارد شده و در جای مخصوص خود قرار گرفته‌اند و در آخر همسر نوه تیمور نیز به آن هشت زن ملحق شده تا عدد آنان به نُه برسد. (همان) او همچنین به این نکته اشاره می‌کند که خویشان و بستگان نزدیک تیمور به هنگام سفر می‌توانند تا نُه روز از خوراک و خانه‌های رایگان بین راه استفاده کنند و هزینه آن بعهده انجمن مرکزی شهری است که در آن اسکان یافته‌اند. (همان)

عدد ۳

مارکیت یکی از قبایل رقیب چنگیزخان بود. 6

شخصی که از نظر رتبه در درجه پایینی قرار داشت اگر در جنگ لیاقت خود را نشان می‌داد یا از جان خان محافظت می‌کرد به او رتبه ترخانی اعطا می‌کردند.

عدد ۳ در جشن ها

معمولا در میان گزارشات متعدد، هر جا اشاره شده که یک تجمع قبیله ای و یا جشن برگزار گردیده مدت زمان آن سه روز پی در پی بوده است. (اشپولر، ۱۳۷۴) جشن شکار غازان که به دستور آباغخان برگزار گردید سه روز ادامه داشت. (خواندمیر، ۱۳۶۲) جشن های اصلی جلوس اولجایتو (آیتی، ۱۳۴۶) و اوکتای (جوینی، ۱۳۸۵) سه روز ادامه داشته است.

عدد ۳ در عبادات و اعتقادات

در پاره ای موارد وقتی خان قصد داشته به جنگ برود یا مشکلی را حل کند سه روز پی در پی در گوشه ای خلوت نموده و در این سه روز از خدایان طلب کمک می کرده است. چنگیز جهت نجات همسرش از دست مارکیت ها خواست به آنان حمله کند اما پیش از آن «خود در خرگاهی رفت، و طناب در گردن خود کرد، و درین سه شبانروز جمله فریاد می کرد که: تنگری! تنگری! بعد از سه روز بامداد روز چهارم از خرگاه بیرون آمد و گفت: مرا تنگری نصرت بخشید» (منهاج سراج، ۱۳۶۳) به گزارش کتاب طبقات ناصری سایرین نیز جهت همراهی با چنگیز در این سه روز چیزی نخورده و حتی اجازه ندادند هیچ حیوانی بچه اش را شیر دهد. بعد از این سه روز، سه روز دیگر نیز به جشن و شراب خواری سپری شد آنگاه چنگیز فرمان حمله داد. (همان) چنگیز همچنین وقتی خبر کشته شدن بازگانانش را به او دادند خشمگین شد و تصمیم گرفت به ایران حمله کند البته پیش از آن سه شبانه روز بر پشته ای خلوت نمود و از خدا یاری خواست. (شبانکاره ای، ۱۳۶۳)

«هر فرد مغولی در چادرش لوحی مخصوص دعا داشت که روی آن کلماتی چون آسمان، عرش اعلی، خدای قادر متعال و نظایر آن نگاشته شده بود و آن را در بالای دیواره چادر نصب می کرد هنگام عبادت ابتدا جلوی آن لوح بخور می سوزاند سپس دستها را به حالت دعا و نیاز رو به آسمان بلند می کرد آنگاه سه مرتبه به سجده می افتاد و از خدای ناپیدا طلب رحمت و آمرزش می کرد. علاوه بر این، بت های بزرگ و کوچکی در هر چادر بود و صاحب چادر موظف بود هنگام غذا خوردن ابتدا مقداری غذا به دهان این بت ها مالیده آنگاه خود شروع به خوردن و آشامیدن نماید. در این هنگام یک خدمتکار موظف بود مقداری شراب بیرون چادر برده مقداری از آن را سه بار به طرف جنوب بریزد و در هر بار زانو زده، در برابر آتشی که همواره در برابر چادر روشن بود تعظیم کند. (بیانی، ۱۳۷۱) پیش از این نیز اشاره گردید در جشن های جلوس، شاهزادگان و نزدیکان خان در برابر خان جدید سه بار تعظیم می نمودند سپس بیرون از بارگاه رفته و سه بار نیز در برابر خورشید سجده می کردند. بدین ترتیب که به سمت جنوب سه بار به حالت رکوع در آمده و در عین حال انگشت های میانه را به کف دست می چسبانند و سق می زدند (اشپولر، ۱۳۷۴) جشن تاجگذاری اوکتای (میرخواند، ۱۳۸۰) و کیوک (جوینی، ۱۳۸۵) چنین ترتیبی داشته است.

مغولان بنا بر اعتقادات خرافی شان از رعد و برق بسیار وحشت داشتند و به همین دلیل اگر خانواده ای گرفتار رعد و برق می شد او را از میان قبیله طرد می کردند. مدت زمان طرد شدن شخصی که دچار رعد و برق شده بود سه سال تعیین گردیده بود. (جوینی، ۱۳۸۵)

عدد ۳ در مراسم تدفین

«جنازه بزرگان مغول را غلامان به درون قبر بدرقه می کردند و چنانچه اقبال با این غلامان یار بود و آنان خفه نمی شدند می توانستند پس از تدفین سه گانه ظاهری، جان خود را نجات دهند» (اشپولر، ۱۳۷۴) کارپن ۸ در این مورد توضیح می دهد «آئین دیگر خاکسپاری برای پاره ای از بزرگان آنست که آنها پنهانی به بیابان رفته و چندین دسته علف را می کنند، سپس چاله بزرگی کنده و در جدار چاله حفره ای می کنند و در آنجا زیر مرده، برده مورد توجه او را می گذارند و برده را مدت زمانی در آنجا نگه می

دارند سپس او را بیرون کشیده تا بتواند چند نفسی بکشد و این را سه بار تکرار می کنند. اگر سرانجام برده زنده بماند او دیگر کاملاً آزاد می گردد و در خانه و خانواده مرده شخصیت برجسته ای می گردد « (کارپن، ۱۳۶۳) علاوه بر این تا پایان نسل سوم نیز کسی اجازه ی بر زبان آوردن نام مرده را ندارد. (همان) مراسم اطعام بر سر مزار متوفی و جهت شادی روح او نیز سه روز پی در پی برپا بود. (اشپولر، ۱۳۷۴) اوکتای پس از جلوس بر تخت سلطنت دستور داد جهت شادی روح پدرش چنگیز سه روز پی در پی غذا پخته و به مردم دادند. (جوینی، ۱۳۸۵) و (همدانی، ۱۳۷۴).

عدد ۳ در بین ایرانیان

پس از مرگ اتابک ابش خاتون ۹ نیز سه روز مجلس ختم قرآن و اطعام برگزار گردید. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷) در یک گزارش نادر مربوط به عهد ارغون می بینیم چون مردم شیراز از دست سعدالدوله یهودی و ظلم مامورانش به تنگ آمدند سه شب پی در پی در پشت بام خانه ها آتش روشن کردند. شاید چنین عملی نوعی نفرین نمودن بوده زیرا نویسنده تصریح می کند این سه شب مصادف شد با زوال قدرت سعدالدوله. (آیتی، ۱۳۴۶)

عدد ۳ در مجازات ها

مجازات گناهان کوچک سه ضربه ی چوب بود. (منهاج سراج، ۱۳۶۳) گویا سه ضربه ی چوب فقط نوعی ادب کردن ملازم و هشدار دادن بوده است. (خواندمیر، ۱۳۶۲) قوبیلای قآن ۱۰ نوه اش تیمور قآن را به علت مستی های مداوم با سه ضربه چوب تنبیه نمود. (همدانی، ۱۳۷۴) در یاسای ۱۱ چنگیزی نیز آمده بود هر فرد می تواند در هر ماه حداکثر سه بار مست شود و در غیر این صورت مجازات خواهد شد. (همان)

عدد ۳ در دربار تیموریان

رسم تعظیم سه باره در ادوار بعد نیز وجود داشته است. کلاویخو ۱۲ و همراهانش در عهد تیموریان مدتی را در شهر بسطام مهمان یکی از بزرگان تاتار بوده اند. در همین زمان یکی از همراهان کلاویخو مفتخر به دریافت خلعت از جانب تیمور می گردد و آن بزرگ تاتار نیز مامور می گردد خلعت را بر تن دوست کلاویخو بپوشاند پس بدین منظور جشنی ترتیب داده خلعت را بر تن شخص مذکور پوشانده و آن شخص نیز می بایست جهت سپاسگزاری سه بار بر زمین زانو زند. (کلاویخو، ۱۳۴۴)

عدد ۷ و ۱۷ و ۷۰ و

در بیشتر گزارشاتی که به عدد ۷ یا اعدادی که عدد ۷ در آنها وجود دارد اشاره میشود همگی به تعداد ضربه های چوبی اشاره می کند که به گناهکاران زده می شده است. براق از نوادگان چنگیز جهت تادیب زیردستانش فرمان زدن هفت چوب (میرخواند، ۱۳۸۰) و هفده چوب (همان) را صادر نموده بود. در عهد ارغون، به یکی از امرای دست نشانده، هفده ضربه چوب زده شد. (آیتی، ۱۳۴۶) ارغون همچنین جهت ترساندن مسلمانان، فرمان کشتن هفده تن از علماء شیراز را صادر کرده بود (میرخواند، ۱۳۸۰) اولجایتو نیز جهت تنبیه یکی از زیردستانش فرمان داد او را هفتاد ضربه چوب بزنند. (آیتی، ۱۳۴۶) چنگیز خان نیز که تنبیهات منحصر به فردی داشت وقتی در جنگ با یکی از قبایل دشمن پیروز می شود و بسیاری از آنان را اسیر می کند دستور می دهد تا هفتاد و یک آتش روشن نموده و بر سر آتش ها آب را به جوش آورده و ودشمنانش را در آن آب ها بجوشانند. (همدانی، ۱۳۷۴)

او تنها فرمانروای زن ایرانی فارس بود که هولاکوخان مغول او را به همسری پسرش منکو تیمور درآورد. 9

از نوادگان چنگیز بود که در چین حکومت مستقلی را تشکیل داد. 10

مجموعه قوانینی که زیردستان چنگیز باید اجرا می کردند. 11

سفیر پادشاه اسپانیا به دربار تیمور لنگ بود. 12

مارکوپولو^{۱۳} نیز می‌نویسد «هرگاه شخصی به سرقتی مقصر شناخته شود که مستحق مرگ نباشد جزایش چوب و فلک است محکوم را می‌خواه‌باندند و برحسب نوع سرقت و قیمت اشیاء مسروقه باو ۷ یا ۱۷ یا ۲۷ یا ۳۷ یا ۴۷... تا ۱۰۷ ضربه چوب می‌زنند.» (مارکوپولو، ۱۳۵۰) تعداد این ضربات متناسب با میزان ارزش جنس دزدیده شده بوده است. (لمب) گویا امروزه هم جایگاه عدد ۷ در فرهنگ چینیان حفظ شده و «آنان افروختن هفت شمع را در مراسم دینی و هفت چراغ قرمز را در مناسک خفیه‌ی خود حفظ کرده‌اند.» (روح‌الامینی، ۱۳۶۱)

عدد ۴

عدد چهار (۴) با آنکه یک عدد زوج است از این جهت که نشان‌دهنده‌ی چهار جهت اصلی بود مورد توجه بود. در مراسم انتخاب خان جدید، پس از قطعی شدن انتخاب، بزرگان و نزدیکان خان، او را بر روی تختی که چهار بالش به نشانه‌ی چهار جهت اصلی بر آن قرار داشت در حالی که دست‌هایش را در دست گرفته بودند جای می‌دادند. (اشپولر، ۱۳۷۴) در جشن تاجگذاری اولجایتو چنین مراسمی اجرا گردید. (میرخوند، ۱۳۸۰) همچنین مغولان به هنگام غذا خوردن جهت احترام و ستایش جهات چهارگلنه، مراسم خاصی اجرا نموده، بدین ترتیب که یک خدمتکار یا نگهبان مقداری شراب بیرون چادر می‌برد سه بار به طرف جنوب قدری از آن را بر زمین می‌ریخت و هر بار زانو می‌زد و برآتشی که همواره روشن بود تعظیم می‌نمود بعد مقداری از همان نوشابه را به جانب مشرق و مغرب و سپس به جانب شمال می‌ریخت. (بیانی، ۱۳۷۱) به این دلیل در سمت جنوب شراب بیشتری ریخته می‌شد که سمت جنوب به سبب بزرگداشت خورشید از سایر جهات مهم تر بود. (همان) مدت زمان عزاداری برای متوفیان خصوصاً اگر افرادی متشخص بودند نیز چهار هفته بود. (مارکوپولو، ۱۳۵۰)

نتیجه‌گیری

مغولان باورهای خاصی نسبت به برخی اعداد خصوصاً اعداد فرد داشتند. این باورها تحت تأثیر فرهنگ چینیان و خرافه پرستی خود مغولان به وجود آمده بود. از میان اعداد فرد عدد ۹ و ۳ و همچنین هر عددی که دارای عدد ۷ بود مورد توجه بود. معمولاً این اعداد در مناسبت‌های خاص مذهبی و حکومتی، جشن‌ها و مراسم تدفین نمود داشته است. البته در پاره‌ای موارد از این اعداد در تنبیه و مجازات‌های نه چندان شدید نیز استفاده می‌شده است. به نظر می‌رسد ارزشمندی این اعداد نزد ایرانیان و یا حتی در ادوار بعد در دربار تیموریان تثبیت شده بوده است. علاوه بر اعداد مذکور، عدد ۴ نیز به عنوان یک عدد زوج مورد توجه آنان بود. توجه به این عدد ناشی از بزرگداشت و اهمیت جهات چهارگانه در بین آنان بوده است.

از آنجایی که پژوهش مستقلاً در این زمینه تا به حال انجام نشده نمی‌توان نتایج این پژوهش را با دیگر یافته‌ها مقایسه کرد. پیشنهاد می‌گردد پژوهش گسترده‌ای در این زمینه و خصوصاً در مورد تأثیرپذیری ایرانیان از چنین اعتقاداتی در آن دوره و ادوار بعد انجام شود.

فهرست منابع و مراجع

- ۱- آیتی، عبدالمحمد، ۱۳۴۶، تحریر تاریخ و صاف، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- ۲- ابن بطوطه، ۱۳۶۱، سفرنامه ابن بطوطه (رحلة ابن بطوطه) چاپ سوم، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۳- اشپولر، برتولد، ۱۳۷۴، تاریخ مغول در ایران، چاپ پنجم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ۴- بارکهاوزن، یواخیم، ۱۳۴۶، امپراطوری زرد چنگیز خان و فرزندانش، تهران، کتابفروشی زوآر شاه آباد

۵- مترجم بیانی، شیرین (نویسنده نامعلوم)، ۱۳۵۰، تاریخ سری مغولان، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران

۶- بیانی، شیرین، ۱۳۷۱، دین و دولت در عهد ایلخانان، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی

۷- جعفریان، رسول، ۱۳۸۹، از یورش مغولان تا زوال ترکمانان، تهران، کانون اندیشه جوان

۸- جوینی، علاء الدین عطاملک، ۱۳۸۵، تاریخ جهانگشا، چاپ اول، تهران، دستان

۹- حسینی فسائی، حاج میرزا حسن، ۱۳۶۷، فارسنامه ناصری، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر

۱۰- خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین الحسینی، ۱۳۶۲، حبیب السیر، چاپ سوم، کتابفروشی خیام

۱۱- ساندرز، ۱۳۶۱، تاریخ فتوحات مغول، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر

۱۲- شبانکاره ای، محمد بن علی بن محمد، ۱۳۶۳، مجمع الانساب، چاپ اول، تهران، امیرکبیر

۱۳- شیمیل، آنه ماری، ۱۳۹۰، راز اعداد، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب

۱۴- صفا، ذبیح الله، ۱۳۹۲، تاریخ ادبیات، تهران، نشر فردوس

۱۵- کارپن، پلان، ۱۳۶۳، سفرنامه پلان کارپن، تهران، فرهنگسرا یساولی

۱۶- کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ۱۳۴۴، تهران، بنگاه ترجمه و نشر

۱۷- گروسه، رنه، ۱۳۵۳، امپراطوری صحرانوردان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب

۱۸- لمب، هارولد، چنگیز خان امپراطور مقتدر سرتاسر جهان، انتشارات اقبال

۱۹- مارکوپولو، ۱۳۵۰، سفرنامه مارکوپولو، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب

۲۰- منهج سراج، ۱۳۶۳، طبقات ناصری، چاپ اول، تهران، انتشارات دنیای کتاب

۲۱- میر خواند، محمد بن خاوند شاه بن محمود، ۱۳۸۰، روضه الصفا، چاپ اول، تهران، اساطیر

۲۲- نورآقایی، آرش، ۱۳۸۸، عدد نماد اسطوره، تهران، نشر افکار

۲۳- همدانی، رشید الدین فضل الله، ۱۳۷۴، جامع التواریخ، چاپ چهارم، تهران، اقبال

مقالات

۲۴- روح الامینی، محمود، ۱۳۶۱، عدد هفت در اساطیر و ادیان، چپستا

۲۵- زمردی، حمیرا، ۱۳۷۹، تجلیات قدسی تمهیدات عددی، تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

۲۶- محمودی، خیرالله، ۱۳۸۴، جایگاه عدد ۳ در فرهنگ و آیین های باستانی، شیراز، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز



Abstract

Although numerous historical sources regarding the Mongol invasion of Iran clearly indicate that these invaders were culturally at their lowest level when they attacked Iran, and consequently Persian culture and beliefs had an undeniable impact on them, they nevertheless entered the region with their own distinct beliefs and customs. Among these beliefs was their belief about the fortune and misfortune associated with certain numbers. They considered odd numbers auspicious and even numbers inauspicious. This library research-based text first aims to examine the origins of such beliefs, then analyzes the significance of odd numbers, particularly 9 and 3, in various contexts within Mongol society. Undoubtedly, such research will contribute to our understanding of contemporary Iranian beliefs, as Iran was one of the territories that was once under Mongol rule.

Key Words: The Mongols, Numbers, Even Numbers, Odd Numbers, Celebration, Believe